

گفت‌وگو با عبدالرضا نعمت‌اللهی، کارگردان فیلم «مهدی عراقی را بکش»

روایت درست و محکم، الگوهای تحریف شده را کنار می‌زند



نبرد و یکمین شهر آورد پایتخت با دستبخت سرمربیان وطنی

نبرد بمب افکن‌ها و پدافندها

پنجشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۸
۱۱۱ چکان‌الانی ۱۳۹۸
سال س و سوم شماره ۲۰۶
۶ خرداد ۱۳۹۸
ZENDIGER@QUDSONLINE-IR



نامه فرهنگ

آغاز سقوط

گویا هیچ کارشناس و تحلیلگری پیدا نمی‌شد که بتواند سقوط سریع مقتدرترین حکومت دیکتاتوری خاورمیانه را پس از انتشار یک سر مقاله وهن امیز حسد بزند، پیش‌بینی تحلیل گرایانه بکند و بابر اساس بدبینی و دفاع از حصار حکومت با انتشار آن مخالفت کند. بدین گونه، سرمقاله وهن آمیزی که نخستین خواننده آن خود شاه بود و دومینش سردبیر روزنامه عصر اطلاعات، در این روزنامه چاپ شد تا فهم و درک نخبگان سیاسی و گردانندگان سیستم امنیتی حکومتگران پادشاهی ایران زمین را به نمایش بگذارد!

بی‌گمان، انتشار این سرمقاله شیطانی همانند گلوله‌ای بود که یک آدم پریشان‌روح و اشتغال‌بطلن به مغز خویش شلیک کند! تاریخ اندیشه ملت ایران زمین، به‌خوبی نشان داد که هیجان قدرتمند ولایت‌گرایانه، هنگامی که خروشنده و توفان‌آفرین شود، همه خیالان‌ها را پر از مشت‌های بی‌شمار و فریادهای بی‌پایان خواهد ساخت و همه توان خشونت‌گرای دیکتاتوری پادشاهی را در میان مشت و آواز کوبنده خویش محاصره خواهد کرد و نفس شاه و پادشاه و پادشاهان را به شماره خواهد انداخت. و این‌گونه شد که این مقاله با سرمقاله، حیات سیاسی و امنیتی مقتدرترین حکومت خاورمیانه را در کمتر از یک سال خشک‌اند و جنازه آن را به پر تنفرترین جنازه پادشاهی و پرخبیات‌ترین پادشاه ایران و خاورمیانه تبدیل کرد.

بهرحال، واکنش تاریخی جامعه ایران در برابر انتشار این مقاله بدون نام و نشان تبدیل به اقیانوسی عظیم از احساسات دین‌خواهانه شد که سقوط خاندان پهلوی، یکی از فرایندهای آشکار و پرقدرت آن به حساب می‌آید.

آری، چه طر‌ف‌دار انقلاب اسلامی باشنیم یا نباشنیم حقیقت تاریخی و جهانی انقلاب ایران هیچ تغییری نمی‌کند و وسعت اثرگذاری صدای جهانی آن را هیچ جامعه‌شناس و روان‌شناس و تاریخ‌شناسی نمی‌تواند انکار کند، چرا که این انکار با دشمنی؛ در حقیقت یک دشمنی جاهلانه با قدرت تاریخی ایمان نو شده و جهانی شده بشریت است.

تاریخ سیاسی جهان در قرن بیستم شاهد تحولات و حوادث شگرفی بوده است که هر کدام به اندازه شخصیت باطنی خویش، اندیشه و ذهنیت بشری را به خود مشغول ساخته و سپس از آن گذر کرده است: همانند انقلاب چین، روسیه، کوبا، الجزایر و انقلاب ناصر در کشور مصر.

اما هیچ کدام از این تحولات سیاسی بزرگ نتوانستند در برابر قدرت جادوگرانه مدرنیسم تمدن غربی و آمریکایی قد علم کنند و اندیشه و هیجان جدیدی به جهان بشریت عرضه کنند که روح آنان را به یک نشاط قدرتمند و کاهش‌ناپذیر دعوت کند و این نشاط ایمانی را پایه استقلال و آزادی قرار دهد.

امام(ره) با شخصیتی که از خویش در جهان صداهای و تصویرها و رسانه‌ها ارائه داد، توانست طبقه روحانیت در جهان بشری را مخاطب قرار دهد و نیروی نوینی را در میان جامعه جهانی، بیدار و فعال سازد: زنده و پویاسازی و همدلار نمون حیات دینی و بلند قامت شدن اندیشه‌ورزان متدین و انتشار کتاب و رسالات مذهبی و تفسیرهای دینی و تحول و دگرگونی در بازار جهانی مصرف فرهنگی، در دهه آخرین قرن بیستم؛ تنها و تنها، یکی از نشانه‌های اثرگذاری جهانی صدای زیبا و دعو‌تگر حضرت امام(ره) است که باید مورد توجه و ارزیابی جهانی قرار گیرد. توجّهی که می‌تواند موجب بینش غرورآفرین درباره ایران و امام و اندیشه ولایت باشد و از ایران امروز با افتخار و سربلندی سخن بگوید.

هفت‌نوا

دغدغه‌های کتابی

جمعه: در نمایشگاه کتابی که به مناسبت فاطمیه کنار ایستگاه صلاتی دایر کرده بودیم، نوجوانی آمد و دنبال کتاب «سلام بر ابراهیم» می‌گشت. پیشنهاد کردم کتاب «خدای خوب ابراهیم» را ببرد ولی او فقط دنبال گمشده خودش بود و می‌گفت اگر چاپ شود اولین نفر خودم می‌خرم!

شنبه: کتاب «آن سوی مرگ» هر روز و هر شب درگیری ذهنی من شده است و نمی‌توانم یک لحظه از آن جدا شوم. راننده تاکسی شوخ‌طبعی به پستمان خورد و برای چند دقیقه‌ای ذهن اشتغالمن کمی داشت آرام می‌شد که بگویم از خبر مرگ پدر و مادرش گفت و آهی باخسرت کشید که از هیچ کدماشمان به‌رامی نبرده است و در سن نوجوانی از دستشان داده است و سهمش از زیارت آن‌ها در خواب‌های گاه و بی‌گاهش است!

یکشنبه: با دوست کتاب‌باز تهرانی‌م در حرم مطهر قرار گذاشتم. بعد از زیارت بسه خاطر علاقه‌مندی بیش از حدی که به کتاب و کتاب‌خوانی دارد او را به کتابخانه مرکزی آستان قدس بردم و جاهای مختلف آنجا را نشاناش دادم. سر از بی‌نمی‌شناخت و دائم از من تشکر می‌کرد که چنین جایی را معرفی کردم و حسرت هم می‌خورد که چرا تهران چنین مکانی ندارد!

وقت خروج از حرم می‌گفت: «بیک حس درونی بهم میگه این حرم و بارگاه با این عظمت و هیبت حتماً تکه‌ای از بهشت‌ها راستی بهشت کتابخونه هم داره؟!»

دوشنبه: در کتاب‌فروشی تازه تأسیسی با یکی از دوستان قرار داشتم. هنگام صحبت همان‌طور که باز ذهنم درگیر اتفاقات کتاب «آن سوی مرگ» بود برای فروشنده بار جدیدی رسید. کار توش را که باز کرد ۱۰۰ جلد کتاب سفیدرنگ بسته‌بندی شده از آن بیرون آورد. در همان حین مشتری هم از راه رسید و با دیدن آن کتاب‌ها چند جلدی خرید. با کنجکاوی به سراغ بسته‌های کتاب رفتم. کتاب «سه دقیقه در قیامت» بود. انگار این روزها باید دائم یاد مرگ باشم.

سه‌شنبه: با اینکه خیلی با خودم کلنجار رفته بودم که کتابی نخرم ولی در نهایت «سه دقیقه در قیامت» را دیشب از کتاب‌فروشی خریدم و امروز همه سه دقیقه‌اش را در عرض سه ساعت خواندم. با تعجب، با سؤال، با گریه با خنده، با تفکر، با تأمل هرطور بود آن را تمام کردم. کتاب را تمام کردم ولی اتفاقات این کتاب هم در کنار اتفاقات کتاب «آن سوی مرگ» در ذهنم جا گرفت و حالا حالا‌ها رهایم نمی‌کند.

چهارشنبه: همان‌طور که ذهنم درگیر مجازات‌ها و اتفاقات روز قیامت است کتاب «روزهای فاطمه» - صفایی حائری- را باز و شروع به مطالعه می‌کنم. به‌عبارت زیر که می‌رسم دلم کمی نسبت به حوالله آرام می‌شود و از خداوند توفیق توبه می‌طلبم. «تو هنگامی که ذلت و شکست گناه را بر صورت کودک خودت می‌بینی، دیگر بر او فریاد نمی‌کنی». گرچه چنین قیمتی را شکسته باشد؛ که از او دلجویی می‌کنی و بر او می‌بخشی... از حکیم کریم و حلیم رحیم دور است که این‌گونه شکسته را بگوید و سوخته را بسوزاند».

نشست خبری سر مربیان پرسپولیس و استقلال

همدلی و خیانت

در دوئل فرماندهان دربی

ریخت و پاش میلیونی نامزدهای انتخابات مجلس در شبکه‌های اجتماعی

پلومرغ مجازی!

امحمد تربت‌زاده اگر خاطراتان باشد تا همین چند سال پیش، نزدیکی‌های انتخابات، شهر بر می‌شد از بنرهای تبلیغاتی نمایندگان مجلس، پوسترهای تبلیغاتی نمایندگان حتی روی رد و دیوار خانه‌های مسکونی هم نصب می‌شد و سرورصدای مالکان این خانه‌ها را درمی‌آورد. این البته تنها قسمت اعصاب خردکن تبلیغات انتخاباتی نبود! خیلی‌هایمان صبح به صبح که قصد خروج از منزل را داشتیم، با انبوهی از تراکت‌های تبلیغاتی روبه‌رو می‌شدیم که توسط ستادهای انتخاباتی از لای در ورودی به داخل منزلمان انداخته شده بود. در سال‌های اخیر اما با سخت‌گیری‌های مراجع نظارت بر تخرلف‌های انتخاباتی، تبلیغات میدانی نماینده‌ها تقریباً به حاشیه رانده شده و دیگر خبری از پوسترهای عجیب و غریب و تراکت‌های اعصاب خردکن نیست. در عوض با بالا گرفتن تب استفاده از فضای مجازی در میان مردم، تبلیغات انتخاباتی هم به شبکه‌های مجازی کوچ کرده‌اند و ستادهای انتخاباتی نامزدهای مجلس، سعی می‌کنند با بهره‌گیری از قابلیت‌های فضای مجازی، تا جایی که می‌توانند برای نماینده‌ها رأی جمع کنند.

حسابش را بکنید که در فضای مجازی نه خبری از سخت‌گیری‌های مراجع قانونی است و نه خبری از انتقادهای مردمی، به همین خاطر نامزدها در انتخابات این دوره، به شکل بی‌سابقه‌ای به فضای مجازی هجوم آورده‌اند و شبکه‌های اجتماعی در این روزها دقیقاً حکم همان شهر شلوغ و بلوگی را دارند که از در و دیوارشان پوسترهای تبلیغاتی احق وحق آویزان شده است!

تبلیغات عجیب و غریب

تبلیغات در فضای مجازی به هیچ وجه مقوله جدید و عجیب و غریبی نیست، اما سبکی که برخی از نامزدهای انتخاباتی این دوره برای تبلیغاتشان انتخاب کرده‌اند چیزی است توی مایه‌های همان پلومرغی که برخی از نامزدهای محترم در گذشته‌های دور برای رأی جمع کردن، در میان شهروندان توزیع می‌کردند! ماجرا از جایی آغاز می‌شود که شما به صورت ناخواسته با یک گروه چند هزار نفری در تلگرام اضافه می‌شوید که معمولاً نامی توی این مایه‌ها دارد؛ کمپین انتخاباتی فلاتی، انتخابات مجلس، ستاد انتخاباتی فلاتی و... پس از این، یک پیام بلند و بالا برای شما ارسال می‌شود که در آن شرایط همکاری با ستاد انتخاباتی یکی از نمایندگان به طور کامل شرح داده شده است. مزایای همکاری آن‌قدر راحت و پردرآمد است که معمولاً نمی‌توانید بی‌خیال کسب درآمد از این روش شوید، به همین خاطر به راحتی و با فشردن چند دکمه، عضو ستاد مجازی آن نماینده می‌شوید!

۱۰ میلیون به ازای هزار نفر

شرایط همکاری با ستادهای تبلیغاتی به این صورت است که شما هر تعداد عضوی که دلتان بخواهد را به گروه اضافه می‌کنید و به ازای هر نفر، مبلغ مشخصی به حسابتان واریز می‌شود! قیمت هر عضو اگر کمی کنج‌گو باشید و به طور خصوصی به آدمین‌های این گروه‌های عجیب و غریب تلگرامی پیام دهید و از آن‌ها بخواهید جزئیات فعالیتشان را برایتان توضیح دهند تا خیالتان بابت مبلغ پرداختی راحت شود، این فعالان مجازی به شما توضیح خواهند داد که برای کدام ستاد انتخاباتی کار می‌کنند. طبق گفته یکی از آدمین‌های این گروه‌های تبلیغاتی، محل تأمین بودجه، برخی ستادهای انتخاباتی هستند. کاربران این گروه‌های تلگرامی هم می‌گویند در این گروه‌ها، روایات‌های «دشمنار» نصب شده است و بنا به درخواست کاربران این روایات‌ها تعداد نفرات اضافه شده به گروه را می‌شمارند و عملکرد هر کاربر را گزارش می‌دهند. کاربران با استفاده از این گزارش می‌توانند

نگاهی به فیلم‌های اکران شده در جشنواره فجر

فیلمساز با دغدغه

فیلمساز بی‌دغدغه

لیگ برتر بسکتبال کشور

مچ‌اندازی

صدر نشینان جدول؟!

آن روزها

سخنرانی‌های پر سر و صدا



فؤاد آگاه: ۱۷ بهمن را می‌شود روز سخنرانی‌ها و جلسات مهم و پرسروصدای دهه فجر به حساب آورد. البته راهپیمایی‌های سراسری در حمایت از دولت که بنا به درخواست امام(ره) انجام می‌شد هم از جمله رویدادهای پررنگ این روز است. ریز و درشت رخدادهای این روز را در ادامه می‌خوانید:

- امام(ره) در جمع خبرنگاران در مورد دولت موقت و وجوب اطاعت از آن سخنرانی کردند، در جمع علمای خوزستان وحدت کلمه را رمز پیروزی دانستند، در میان نمایندگان مستعفی مجلس شورای ملی درباره قراردادهای غیرقانونی رژیم پهلوی حرف زدند و برای روحانیون و پرسنل نیروی دریایی که به دیدارشان آمده بودند نیز سخنرانی و تأکید کردند اگر دولت بختیار کنار برود، آشتی‌ها حل می‌شود.
- مهندس بازرگان به عنوان نخست‌وزیر مصاحبه کرده و برنامه و وظایف دولت خود را شرح داد. وی به طور موقت از رهبری نهضت آزادی کناره‌گیری کرد و در مدرسه علوی ساکن شد، چون امام(ره) از وی خواسته بودند بدون وابستگی حزبی و گروهی، نخست‌وزیر باشد.
- بختیار که پیش این گفته بود دولت بازرگان را تا زمانی که شوخی و حرف است تحمل می‌کنیم، در سخنان جدیدش از این دولت به عنوان دولت سایه یاد کرد تا مهندس بازرگان هم در پاسخش بگوید: البته این کابینه، یک سایه نخواهد بود، بلکه کابینه‌ای است جدی و از فردا کارهای جاری مملکت را در دست خواهد گرفت.
- با شدت گرفتن راهپیمایی‌های مردمی در تهران، بختیار تحت شدیدترین تدابیر امنیتی به مجلس رفت تا از اقدامی نمایشی لایحه انحلال سلاوک را به تصویب برساند. همزمان هواپیماهای جنگنده و بالگردها بر فراز شهر به پرواز درآمدن تا شاید رعب و وحشتی در دل مردم ایجاد کنند.
- مطبوعات شوروی با لحنی محتاط از انتصاب مهندس بازرگان به نخست‌وزیری دولت موقت یاد کرده و برخی از قول مقام‌های دولتی نوشتند: مسکو هنوز نگران کودتا در ایران است. خبرگزاری فرانسه هم اعلام کرد جبهه ملی از مقامات، سازمان‌های حاکمه و تمام مردم درخواست کرده است از دولت بازرگان حمایت کنند.
- اسامی اعضای شورای انقلاب و همچنین کابینه دولت موقت اعلام شد.
- در مراسم فارغ التحصیلی دانشجویان دانشکده افسری، برای نخستین بار، افسران جوان از سوگند وفاداری به شاه معاف شدند.
- مردم زاهدان، اعم از شیعه و سنی که به پشتیبانی دولت مهندس بازرگان دست به راهپیمایی زده بودند، از سوی جماق به دستان مورد هجوم قرار گرفتند و در این حادثه، ۶۲ نفر کشته یا زخمی شدند.

خبر

حذف «سه کام حبس» از آرای مردمی

از روز صفر تا خروج

در فهرست آثار برگزیده آرای مردمی

فارس: در چهارمین روز شمارش آرای فیلم‌های نمایش داده شده جشنواره فجر «سه کام حبس» حذف شد و ۹ فیلم دیگر باقی ماندند.

نتیجه شمارش آرای فیلم‌های

نمایش داده شده در روز چهارم جشنواره فیلم فجر(۱۵ بهمن ماه) توسط ستاد انتخاب فیلم برگزیده از نگاه تماشاگران جشنواره فیلم فجر اعلام شد.

فهرست فیلم‌ها بدون اولویت بدین شرح است:

آبادان یازده ۶۰، روزیست، شنای پروانه، روز بلوا، مغز استخوان، خوب بد جلف ۲، درخت گردو، روز صفر و خروج.

«۸۷ متر» کیانوش عیاری

به ایستگاه پایانی نزدیک شد

سینما و سینما: عوامل مجموعه تلویزیونی «۸۷ متر» این روزها ضبط سکانس‌های باقیمانده را پیگیری می‌کنند و به گفته کارگردان پایان تصویربرداری این سریال سه ماه دیگر خواهد بود.

به نقل از روابط عمومی شبکه یک، کیانوش عیاری، کارگردان سریال «۸۷ متر» با بیان اینکه هم‌اکنون گروه تولید با تلاش شایه‌روزی و فشار زیاد مشغول کار هستند، تأکید کرد: سعی‌مان بر این است تا سه ماه آینده تصویربرداری این سریال را به اتمام برسانیم.

کارگردان سریال «روزگار قریب» تصریح کرد: روز تعطیل نداریم و تقریباً هر روز همه عوامل و بازیگران پشت و مقابل دوربین در حال تصویربرداری هستند، امیدوارم با تمام سختی‌های این کار، مردم از خروجی سریال راضی باشند.

کیانوش عیاری در پایان گفت: هم‌اکنون در لوکیشن اصلی سریال در خیابان نیاپور تهران هستیم، جایی که داستان اختلاف و درگیری دو خانواده خلیلی و پوردورانی بر سر مالکیت منزل، در آنجا رخ می‌دهد.

در خلاصه داستان این سریال آمده است: علیرضا پوردورانی به همراه همسر، دو دختر و پسرش، خانه‌ای را از یک فروشنده به نام فرج ناصری خریداری می‌کنند، اما روز اسباب‌کشی متوجه می‌شوند خانه به فرد دیگری به نام محسن خلیلی فروخته شده است. محسن به همراه پسر، همسر و دو دخترش صبح زودتر از پوردورانی‌ها به خانه رسیدهباند و وسایلمان را از خانه گذاشت‌اند، اما با رسیدن خانواده پوردورانی، ماجرای کلاهمر تلویزی می‌شود.

مجموعه تلویزیونی «۸۷ متر» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی کیانوش عیاری کاری از گروه فیلم و سریال شبکه یک سیماست که در ۴۰ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای در حال تولید است.



نگاهی به فیلم «دوزیست» به کارگردانی برزو نیک‌نژاد

سوگواری برای «رفاقت»

معمولاً وقتی فیلم‌های کارگردان‌هایی را می‌بینیم که سابقه ساخت مجموعه‌های تلویزیونی را دارند، این پیشداوری را در ذهن داریم که فیلم چیزی شبیه یک اثر تلویزیونی خواهد بود، اما

وقتی «دوزیست» را می‌بینیم باید اعتراف کنیم که با «سینما» سرو کار داریم. «دو زیست» در کارنامه کاری کارگردانش، قدم بزرگی رو به جلوست، به‌خصوص پایان‌بندی غافلگیرکننده و خوب فیلم موجب می‌شود که آن را در مجموع اثری قابل‌قبول بدانیم، ولی اگر به این حد از سسینما راضی نیستیم، باید یک عقب‌نشینی کامل از حرفمان کنیم و این فیلم را هم به مجموعه بزرگی از فیلم‌ها متوسط سینمای ایران الصاق کنیم.

مشکل اصلی فیلم در فیلم‌نامه است. برخی از کلیدی‌ترین عناصر درام داستان چنان سرهم بندی شده‌اند که باورپذیر نیست. اگر فیلم‌نامه را به یکی از کارگاه‌های فیلم‌نامه‌نویسی ببرید و به دست هنرجویان بسپارید، چندین و چند ایراد بزرگ و مهم از آن درمی‌آورند. نخستین ایراد در شخصیت‌پردازی داستان است؛ آدم‌هایی که به درستی و خوبی پرداخت نشده‌اند و برای همین معقلاند و با رفتارهای متضاد و متناقض ایهام‌های جدیدی به داستان اضافه می‌کنند. مثلاً شخصیت پدر با بازی سعید پورصمیمی که سال‌هاست عاشق زن همسایه است، چرا با او ازدواج نمی‌کند، ولی دادم در حال حرف زدن از آن زن است؟ شخصیت عطا با بازی جوادعزتی که محور داستان است، از او میهم‌تر است. او در گاراژی قدیمی زندگی می‌کند، ماشینی خراب و کهنه‌سوار می‌شود ولی عکسش روی بلیبوردهای شهر است. اصلاً اینکه او مانکن است، چه کمکی به فیلم کرده است؟ چرا عطا باید مانکن باشد و مثلاً بقال یا قصاب یا راننده تاکسی نباشد؟ مانکن بودن او در کجای داستان، گره‌ی ایجاد کرده یا گره‌ی را باز کرده است؟

درباره تکنیک شخصیت‌های داستان می‌شود از این پرسش‌ها پرسید. ماجرای پناه دادن زنی که از خانواده‌اش فرار کرده به ساده‌ترین و بدستی‌ترین شکل انجام می‌شود و خیلی زود همه با آن کنار می‌آیند. کارگردان سعی کرده ایرادهای شخصیت‌پردازی را با تسلسل حوادث ببویسلاند و در اجرای این قصه هم موفق بسوده و فیلم دالماً ورق تازه‌ای می‌خورد و اتفاق جدیدی می‌افتد و ضربه‌انگثر به لطف کارگردانی و تدوین درست، نمی‌افتد.

«دوزیست» درباره آدم‌های امروز است. آدم‌هایی که اگرچه هم‌سفره و هم‌نمک هستند، اما از پشت به هم خنجر می‌زنند. فیلمی است سوگوارانه درباره مرگ مفهوم سنتی «رفاقت»، رفاقتی از جنس سینمای کیمیایی، از جنس جان دادن برای هم‌سفره و هم‌نمک. این مضمون در برخی دیگر از فیلم‌های امسال هم تکرار شده است. انگار سینماگران ما بدون اینکه با هم انتلافی کرده باشند، مشکل اصلی جامعه را در دگرگونی آدم‌ها و دورشدن از سنت‌های استنادانه که به جامعه هم موفق بسوده و فیلم داستانی می‌داد. «فاقت» یکی از آن مفاهیم بود که امروز دیگر باید با آن خداحافظی کرد.

اسیما وسینما /زهره کهندل فیلم‌مسئند «مهدی

عراقی را بکش» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی «عبدالرضا نعمت‌اللهی» در بخش مسئند سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور دارد. این مستند روایتی از زندگی و زمانه مرید وثیق و یاور راستین امام‌راحل شهید مهدی‌عراقی است که در چهار فصل موضوعی مجزا، به مرور خاطرات، روایات و وقایع مؤثر حادث شده در زندگی شهیدعراقی می‌پردازد. از نحوه ارتباط و آشنایی او با شهید نواب‌صفوی گرفته تا حضور پررنگ او در نوفل‌لوشاتو و همراهی پیوسته با امام‌خمینی(ره) در سال‌های جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت حضور داشت، با استقبال روبه‌رو شد و حالا باید با دیگر آثار جشنواره فجر رقابت کند.

مستند «مهدی عراقی را بکش» که تصویر یکی از فعالان سیاسی معاصر را ارائه می‌دهد، یکی از مستندهای خوش‌ساخت و امیدبخش جشنواره فیلم‌فجر امسال است که تماشای آن می‌تواند برای هر مخاطبی با هر نوع ذائقه، جهت‌گیری، خط مشی فکری و تعلقات حزبی و جناحی خالی از لطف نباشد. با «عبدالرضا نعمت‌اللهی» کارگردان درباره جزئیات ساخت این مستند گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

♦ چرا شخصیت مهدی عراقی برایتان اهمیت پیدا کرد که سراغ ساخت یک مستند پرتره از او رفتید؟

ابتدا قرار بود روی یک سبوزه دیگری کار کنیم. سیدمصطفی حسینی که پژوهشگر ما بود و مصاحبه‌ها را انجام می‌داد، روی مقاله‌ای درباره مقایسه آیین‌های مذهبی و اندیشه سیاسی شیعه در ایران کار می‌کرد، اینکه بیننده نقاط عطف سنت‌های عزاداری شیعیان کجا بوده و در کدام دوره شکل عزاداری شیعیان دگرگون شده و تغییراتی اساسی کرده است. یک نمونه مورد بررسی ماجرای مسجد حاج‌ابوالفضل بود که در روز ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ برگزار شد. این دسته عزاداری یک نقطه‌عطف بود که در آن روز، دسته عزاداری به تظاهرات سیاسی تبدیل شد. شعارنوشته‌هایی که حمل می‌شد، نظمی که دسته عزاداری می‌گرفت، شعارهایی که سر داده می‌شد و سخنرانی‌هایی که انجام می‌شد، تفاوت اساسی با دسته‌های معمول عزاداری داشت. در این مطالعه مشخص می‌شود شخصیت اصلی و محوری و به عبارتی کارگردان این دسته در آن روز حاج مهدی‌عراقی بود. او بود که آدم‌ها را جمع می‌کرد و به آن‌ها نظم و حرکت می‌داد. صبح ۱۳ خرداد این اتفاق می‌افتد و دسته عزاداری به سمت دانشگاه تهران حرکت می‌کند. این سخنرانی و بعد به سمت خیابان کاخ حرکت می‌کنند. حرکت این دسته مقدمه‌ای برای سخنرانی معروف امام‌خمینی(ره) در قم می‌شود که در واکنش به اتفاقات فیضیه ایراد منجر به دستگیری حضرت امام(ره) می‌شود. این‌ها دسته را صبح راه می‌اندازند و بعد حاج مهدی عراقی خودش را به قم می‌رساند و مقدمات سخنرانی امام(ره) را تدارک می‌بیند. همه تدارکات و تنظیمات سخنرانی و برگزاری مراسم و حتی ضبط و انتشار

گفت‌وگو با عبدالرضا نعمت‌اللهی، کارگردان فیلم «مهدی عراقی را بکش»

روایت درست و محکم، الگوهای تحریف‌شده را کنار می‌زند



برش

حاج مهدی عراقی کنسی است که با نگاه‌ها و جریان‌های مختلف ارتباط دارد. همه زیر سایه‌اش جمع می‌شوند و برایش احترام قائلند. برای نزدیک قائلند. برای نزدیک شدن به ایشان و شناختنشان، ما هم باید همین مسیر را می‌رفتیم. باید بی‌ملاحظه سراغ چهره‌ها و بی‌ملاحظه سراغ چهره‌ها و سلیبک گوناگون می‌رفتیم و از آن‌ها خواستیم درباره حاج مهدی برابمان بگویید.

رو به رشد بوده، اما همچنان در اکران این آثار به آن‌ها کم‌توجهی می‌شود. به نظر شما فیلم‌های مستند می‌توانند جایشان را در گیشه باز کنند؟

ببینید در اینکه فیلم‌های مستند برای مخاطب ساخته می‌شوند و باید عرضه شوند شکی نیست، ولی همه عرضه یک فیلم، اکران در سالن‌های سینما نیست، باید حواسمان به این نکته باشد. بله می‌شود سهم اکران مستند در سالن‌های سینما را بیشتر کرد، ولی پیش از آن باید ایده‌ای برای نظام عرضه آن داشت. مسئله این است که مخاطب فیلم مستند اصلاً در جریان عرضه قرار نمی‌گیرد و خبر اکران فیلم‌ها به او نمی‌رسد. محصول تولید می‌شود، ولی اصلاً به دست مصرف‌کننداش نمی‌رسد.

♦ یکی از ویژگی‌های مستند شما رجوع به آرای افراد و شخصیت‌های مختلف و متعدد سیاسی دارای افکار و عقاید متفاوت و چپ‌سا متضاد با یکدیگر، برای واکاوی ابعاد شخصیتی

راوی یک اتفاق، خود آدم‌هایی باشند که بی‌واسطه آن را در ک کرده‌اند، اهمیت دارد. البته گفت‌وگومحور بودن لزوماً به معنای خاطرات‌شغافی ضبط کردن نیست. ما در گفت‌وگوها از مصاحبه‌شوندگان می‌خواستیم فقط خاطره بگویند. دنبال تحلیل تاریخی گرفتن از آن‌ها نبودیم.

♦ با وجود اینکه روایت مستند روایتی خطی است، اما از آن استقبال شده و برای مخاطب جذابیت دارد، دلیلش چیست؟

این را از مخاطبان باید پرسید. من خودم فکر می‌کنم

سادگی و روان‌بودن روایت و تنوع راویان مؤثر بوده

باشد.

♦ به نظر شما سوزه «مهدی عراقی» ظرفیت ساخت یک اثر داستانی را داشت، چون پیش از این آقای افخمی قرار بود فیلمی درباره شهید عراقی بسازد و متوقف شد. به نظر شما گونه مستند برای نمایش شخصیت‌های تاریخ معاصر جذاب‌تر است یا گونه داستانی؟

قطعاً فیلم داستانی جذاب‌تر است. جالب است بدانید عنوان مستند را آقای بهروز افخمی به ما پیشنهاد داد. آقای افخمی قرار بود در مورد شهید عراقی فیلم بسازد و مقدماتی را آماده کرده بود، اما در مرحله تحقیق متوقف شد. یکی از کسانی که با او گفت‌وگو کردیم همین آقای افخمی بود. نام مستند را وی به ما پیشنهاد کرد. در تیتراژ هم به نام ایشان اشاره کردیم. البته ما یک مجموعه تلویزیونی هم از این مستند ساختیم که آن را به نام دیگری ارائه کردیم. احساس کردیم عنوانی که برای مستند انتخاب شده شاید برای تلویزیون مناسب نباشد به همین دلیل عنوان را تغییر دادیم. مجموعه تلویزیونی ساخته شده برای تلویزیون شامل چهار قسمت ۴۰ دقیقه‌ای با نام «یکه‌سوار» است.

♦ در تولید مستندهای آرشیوی و تاریخی، تدوین اهمیت زیادی می‌یابد و به نوعی کارگردانی دوم به شمار می‌رود، چه خلایقت‌هایی در تدوین آثاری از این دست می‌توان داشت؟

هر فیلمی را با خودش باید سنجید. در خصوص فیلم ما بله، تدوین نقش عمده‌ای در شکل‌گیری قصه داشت. حدود ۴۰ ساعت گفت‌وگو داشتیم که باید با یک خط روایی در ۹۰ دقیقه تنظیمش می‌کردیم. کار سختی بود و وقت زیادی از ما گرفت. نتیجه شد چهار فصل اصلی که در واقع چهار دوره مهم زندگی شهید عراقی به حساب می‌آیند.

♦ امیدی به بردن سیمیرغ جشنواره دارید و اینکه تکنیک بخش مستند از داستانی در جشنواره فجر را کار درستی می‌دانید، چون برخی جشنواره‌های جهانی این تکنیک را برای فیلم‌ها حتی ایمییشن هم تدارک؟

سیمرغ، تصمیم و سلیقه هیئت‌داران است و باید به نظر آن‌ها احترام گذاشت. درباره تکنیک فیلم‌های مستند هم فکر می‌کنم راجب حضور فیلم‌های مستند در جشنواره فجر باید فکر اساسی تری شود.



امین عارفی

پرداختن به آن بسیار سطحی است و بسیاری جاها آدرس غلط می‌دهد. بیان مسئله در فیلم کلی و گنگ است، خبری از ریشه‌ها و علل واقعی این مشکلات اقتصادی نیست. رد مشکلات اقتصادی را در کارزار دلارفروش‌ها جستن آدرس غلط است و پررنگ کردن این خرده‌فروشان، خوردن کردن ماجراست. متأسفانه حتی فیلمساز از پس همین روابط سطحی هم نرینامده و با فیلمی بسیار خسته‌کننده و شعاری طرف هستیم، وقتی حتی یک خط قصه وجود ندارد ضرورت ساخت یک فیلم بلند سینمایی چیست؟ ناچساری فیلم را کش بدهی و از آن مهم‌تر به قصه آب بندنی؟ گذر زمان در فیلم گم‌است و انطباق با سیر منطقی حوادث ندارد. شخصیت‌ها هیچ کدام پرداخت درستی ندارند و خرده‌پیرنگ‌ها مانند پیرنگ اصلی فیلم ناقص و ابتر می‌مانند و حتی حذف آن‌ها لطمه‌ای به فیلم نمی‌زند. اگر فضای بلندت، ناامید، تلخ و خشن را هم اضافه کنید به این موارد، فیلم کشتار گاه می‌شود، فیلمی که ببیننده را زجر کش می‌کند.

♦ هیچ ووج

دشمنان / علی درخشنده – مسئله فیلمساز چیست؟ خانواده یا حمله به خانواده؟ فیلم محصول روان‌شناسی است یا روان‌پریشی؟ تصویر فیلم از خانواده بسیار مغشوش و از هم گسسته است و مداری که به این گسست دامن می‌زند، زنی که خودآزاری‌اش به دیگر آزاری می‌رسد. قصه فیلم خیلی زود لو می‌رود، اما مسئله‌اش میهم و الکن باقی می‌ماند، چون نه گذشته آدم‌های قصه و نه آینده آن‌ها مشخص است. خانواده‌ای که از هم‌پاشیده، هر کدام رفتار مشکلی هستند. از اعتیاد تا طلاق و جنون. بسیاری از تماشاگران هنگام نمایش فیلم سالن را ترک کردند و آن‌ها هم که مانند از این صبر و نشستن و تماشای یک فیلم مایخولیوایی پشیمان هستند.

♦ فریب یا ترس

آن شب / کوروش آهاری – ماوراء از وجود متولد می‌شود و از پی آن می‌آید. هنگامی که جهانی وجود ندارد، وراى جهانی متولد نمی‌شود. ترس باید از دل آرامش شاخه بزند، لحظه‌به‌لحظه شله‌ووتر شود و التهاب شکل بگیرد. باید جهان شخصی شخصیت‌های قصه را بیرونی کند و با شخصیت و درون ببینده گره زند و ترس‌های نهان وجودی‌اش را برملا کند. مشکل بزرگ فیلم «آن شب» سطحی بودن و قصه بی‌رغمی است که کشتار شده و نه کاری از ساختن فضا و نه در همراه ساختن مخاطب پیش می‌برد. فیلم ظاهرسازی است و ترسش قریب، یک ترس بدلی، پنهانکاری، خیانت و دروغ جهان نهان شخصیت‌های ایرانی فیلمی است که با سرمراهی آمریکایی ساخته‌شده تا سینما و فرهنگ ما را جهانی کند.



را می‌شکند و زیست آدم‌ها را آیارنمائی می‌کند. زیست فیلمساز و نویسنده ربطی به این روستاها و روستایان ندارد و حرف‌های فیلم و صله‌های ناچوری برای آن‌هاست. از نظر فیلمساز، قهرمان حتی اگر بخواهد زیست مدرن پیدا کند، غیرت و صداقت را هم کنار بگذارد باز جنس دست دوم و بدلی است. فیلم‌فارسی را اگر روشنفکرانه و با تکنیک درست بسازی، می‌شود آتاپای، یک فیلم‌فارسی‌مدرن.

♦ هنر منهای هنر

ابر بارانش گرفته / مجید پرگز – یک فیلم دوباره، نیمه اول درباره پرستاری که فرشته مرگ می‌شود با کلی سکانس و حرافاضافه و بدون هیچ حرف حسایی و نیمه دوم درباره ماری‌جوانا و چت شدن! توهم، با کارگردانی، بازی و میزآنسن‌های ضعیف. فیلم که در ایده یک خطی خود غرق می‌شود، ایده را هم غرق می‌کند. یک نمونه تماشعبار از سینمای مثلاً هنری که این بار چون دغدغه گیشه را دارد لودگی و ابتذال را با کاراکتری نوجوان – که شاید واقعی‌ترین شخصیت فیلم باشد– وارد فضای فیلم می‌کند و در لحن نیز فیلم را دوباره می‌کند. فیلم گنگ، کشتار و خسته‌کننده است. چون قصه درستی وجود ندارد و بسیاری از قاب‌ها و نماها صرفاً کارکردی دکوراتیو دارند و هیچ حس و فرمی خلق نمی‌کنند. تقریباً هیچ شخصیتی پرداخت درستی ندارد، از شوهر پرستار بگیر که نمی‌فهمیم نقش چیست تا خانواده پرمرد شمالی. هنگامی که فیلم در سالن تمام شد یکی از تماشاگران گفت: تبلیغ خوبی برای موادمخدر بود. شاید راست می‌گفت.

♦ آدرس غلط

کشتارگاه / عباس‌امینی – فیلم ظاهراً قصد پرداختن به یک مسئله اقتصادی روز را دارد. موضوع قاچاق دام و بحران دلار، اما

یادداشت

نگاهی به فیلم‌های اکران شده در جشنواره فجر

فیلمساز با دغدغه، فیلمساز بی دغدغه

♦ مرئیهای برای سردشت

درخت گردو / محمدحسین مهدویان – درخت‌گردو یکی

از مهم‌ترین و خاص‌ترین فیلم‌های جشنواره امسال است. مهم بودنش در سوژمایش است، ماجرای حمله شیمیایی عراق به سردشت و خناس بودنش به مهدویان و سنیک متفاوت فیلم‌سازی‌اش برمی‌گردد، سبکی که هم مزیت فیلم و هم پاشنه آشیل آن است. از فیلم و مسئله‌اش شروع کنیم و بعد روی – معلم روستایی که قربانی حمله شیمیایی می‌شود– برای ما تعریف می‌شود. قصه قادر، بنای کردی که همسر باردار و سه فرزند خردسالش شیمیایی می‌شوند او و در تلاش است تا خانواده‌اش را از این مصیبت نجات دهد. فیلم در طول تلاش قادر مرئیهای برای سردشت و قربانیاش می‌خواند. مانند همه مستند– داستانی‌های مهدویان، اینجا نیز شخصیت‌پردازی و قصه‌گویی فرع است بر پرداخت جزئیات و بازسازی واقعیت. مهدویان سعی می‌کند به بهترین شیوه حمله شیمیایی را بازسازی کند و سکانس هنرمندانه مرگ گنجشک‌ها از سکانس‌های تأثیرگذار و به یادماندنی فیلم است. کارگردان برای جبران ضعف‌های دراماتیک سعی می‌کند بار قصه‌گویی را بر دوش راوی فیلمش بگذرد و خود مثل همیشه در قامت یک نگاره‌گر شاهد بیرونی ماجرا باشد، اما متأسفانه ضعف در نگارش متن راوی و عدم‌توجه به شخصیت‌پردازی او و همسرش، از کارایی این انمولوگ‌ها کاسته و در برخی سکانس‌ها احساس اضافی بودن به آن می‌دهد.

کسی که مستند یا عکس‌هایی از حمله شیمیایی سردشت دیده باشد قطعاً می‌داند تلخی و غمناکی ماجرا چه حد بالایی دارد و این واقعیت‌پردازی خود را بر این‌سکانس تحمیل نموده که تلخی و مرثیه‌سرایي بر همه فضای فیلم غالب شده و شاید اشک تمام سهم بیننده از قصه باشد. مهدویان در مستند–داستانی‌هایش همیشه حق‌تقدّم را در مستندگونه‌گی داده است و حد داستان‌سرایي را به قیود این حق‌تقدّم گره‌زده است. در تکنیک می‌بینیم بخش اصلی فیلم با دوربین ۱۶ میلیمتری فیلم‌برداری شده تا حال و هوای مستند و واقعی‌تری به فیلم بدهد. همان‌گونه که مکث بر جزئیات مانند شروع حمله شیمیایی، بیمارستان و مجروحان همین کارکرد را دارد.

در قصه نقطه‌ضعف و اشکال مهم دیگر جدا کردن مسئله سردشت از یک مسئله ملی و تبدیل آن به یک موضوع قومیتی است. فرووانستن مسئله سردشت به یک ظلم تاریخی به مردم قوم که خود این گزاره دارای نقد جدی است و پیوند زند منسلة کولمبیری تقلیل نموده که تلخی و شاید خود ظلمی دیگر بر مردم کرد باشد که فیلمساز داعیه دفعاع از آن‌ها را در فیلم دارد. ارجاعاتی مانند عدم همراهی مردم با قربانیان سردشت و متن دفاعیه قادر در دادگاه لاهه مورد نقد باشد. نکته مهم دیگری که درباره فیلم می‌توان گفت حد نگه‌داشتن مهدویان درباره مسئله جنگ است،